



خوانشی بر تفکیک عرصه‌های زندگی در خانه‌های دوره قاجار شهر دزفول

ناصر قانع‌فر^{۱*}

۱ استادیار، گروه معماری، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران. نویسنده مسئول: Naser.ghaneifar@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
تاریخ‌ها دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۱۷ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۲۸	
واژگان کلیدی عرصه‌های زندگی خانه دوره قاجار دزفول	عرصه‌های عملکردی در جوامع مختلف به عنوان یکی از راه‌های شناخت دیدگاه فرهنگی و اجتماعی حاکم بر آن جامعه شناخته می‌شود. به واقع توجه به انتخاب‌های عام و متداول در میان افراد می‌تواند این نکته را به ذهن متبادر نماید که در جوامع انسانی، برای هر یک از عملکردها چه حریم‌هایی واجد معنا بوده و هرکدام چه ویژگی‌هایی از آن فرهنگ را به مخاطب معرفی می‌نماید. مقاله حاضر با هدف بررسی عرصه‌های زندگی در خانه‌های تاریخی شهر دزفول طی دوره قاجار شکل گرفته و در راستای پاسخ دهی به این پرسش است که: تفکیک عرصه‌های زندگی در خانه‌های دوره قاجار شهر دزفول در چه سطوحی شکل گرفته و هر یک از این سطوح شامل چه ریزفضاهایی است؟ مقاله به روش ترکیبی بر مبنای داده‌های کمی نرم‌افزار A-Graph و روش استدلال منطقی صورت گرفته است. جامعه آماری خانه‌های دوره قاجار بوده که ۱۰ خانه متعلق به دوره قاجار به عنوان نمونه‌های مورد مطالعه به روش هدفمند انتخاب شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد فضاها از حیث عملکرد در سه سطح تفکیک‌پذیری کمینه، میانه و بیشینه قرار می‌گیرند. حیاط اصلی، حوضخانه، دالان و صفا ادغام بیشتری با دیگر فضاها داشته و تفکیک‌پذیری کمتری را در اختیار دارند و فضاهای ایوان، هشتی، حیاط دوم، اتاق غرفه، پیش‌بام، تالار، مطبخ، پله‌پهن و مستراح به عنوان فضاهایی با سطح میانه شناخته می‌شوند. فضاهای بام، حمام، شبستان، انبار، اتاق، صحن شوادان و کت نیز به عنوان فضاهایی خصوصی با قلمرویی محدود شناخته می‌شوند.

استناد: قانع‌فر، ناصر (۱۴۰۳). خوانشی بر تفکیک عرصه‌های زندگی در خانه‌های دوره قاجار شهر دزفول. باستان‌شناسی ایران، ۱۴ (۲)، ۱۱۷ - ۱۳۰.

<https://doi.org/10.82101/aoi.2025.1195847>

© ۱۴۰۳ (۲۰۲۵) نویسندگان مقاله، نشریه باستان‌شناسی ایران، مجله دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر.



A reading on the Separation of Spheres of Life in the Houses of the Qajar Period in Dezful City

Naser Ghaneifar^{1*}

1. Assistant Professor, Department of Architecture, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran. Corresponding Author: Naser.ghaneifar@gmail.com

Article Info

History

Received: December 07, 2024

Accepted: February 16, 2025

Keywords

Areas of life

House

Qajar period

Dezful

Abstract

Functional areas in different societies are known as one of the ways to understand the cultural and social perspective that governs that society. In fact, paying attention to common choices among individuals can bring to mind what areas of meaning each function has in human societies and what characteristics of that culture each one introduces to the audience. The present article aims to examine the living areas in the historical houses of Dezful city formed during the Qajar period and is aimed at answering the question: At what levels was the separation of living areas in the houses of the Qajar period of Dezful city formed and what micro spaces does each of these levels include? The article was conducted using a combined method based on data from the A-Graph software and the logical reasoning method. The statistical population was the houses of the Qajar period, and 10 houses belonging to the Qajar period were selected as the study samples using a purposeful method. The results of the research show that spaces are placed at three levels of separation in terms of performance: minimum, medium, and maximum.

Citation: Ghaneifar, N. (2025). A reading on the Separation of Spheres of Life in the Houses of the Qajar Period in Dezful City. *Archaeology of Iran*, 14(2), 117-130.

<https://doi.org/10.82101/aoi.2025.1195847>

© 2025 Authors, *Archaeology of Iran*, Journal of Islamic Azad University, Shushtar Branch.

مقدمه

آنچه در جوامع مختلف به عنوان یکی از مولفه‌های اصلی در حیطه فرهنگی و اجتماعی تلقی می‌شود توجه به عرصه‌بندی در انجام فعالیت‌های مختلف است. کریستوفر الکساندر در کتاب "سرشت نظم" و در بیان صفت زنده بودن برای ساختمان‌ها و مصنوعات بشری به این نکته اشاره دارد که "پدیده‌های انسان‌ساخت چون بناها و شهرها به‌ویژه در تاریخ معاصر به ندرت در حد احراز شأن زندگی انسان‌ها موفق بوده‌اند. الکساندر، علت این کمبود کیفیت را در عدم توجه به سرشت فرایندها می‌داند. تنها دانستن هندسه، تناسبات و شناخت پدیده‌های زنده برای خلق ساختارهای زنده کافی نیست.

در قرن بیستم، زندگی‌ها در چارچوب ساختارهای غیرزنده محدود شدند و حاصل آن محیط زندگی امروزمان است. الکساندر، اعلام می‌دارد که هر پدیده از میزانی از حیات برخوردار است. پدیده‌های طبیعی، ساختار زنده دارند. در جوامع سنتی که زندگی در رابطه تنگاتنگ با طبیعت قرار داشت، بازتاب این زنده‌بودن را در دست‌ساخته‌های بشر نیز می‌توان یافت. آشکارسازی این ساختار برای ما آموزنده است (الکساندر، ۱۳۹۳: ۹) «خانه یک کنش انسانی است و حتی در سخت‌ترین شرایط و در میان شدیدترین تنگناها و قیود فیزیکی و با تکنیک‌های محدود، انسان باز هم با چنین روش‌های متفاوتی اقدام به ساخت بنا کرده است که آنها را جز به عامل انتخاب، به چیز دیگری نمی‌توان نسبت داد؛ موضوعی که نقش ارزش‌های فرهنگی را روشن می‌سازد» (راپاپورت، ۱۳۹۲: ۸۴-۸۵).

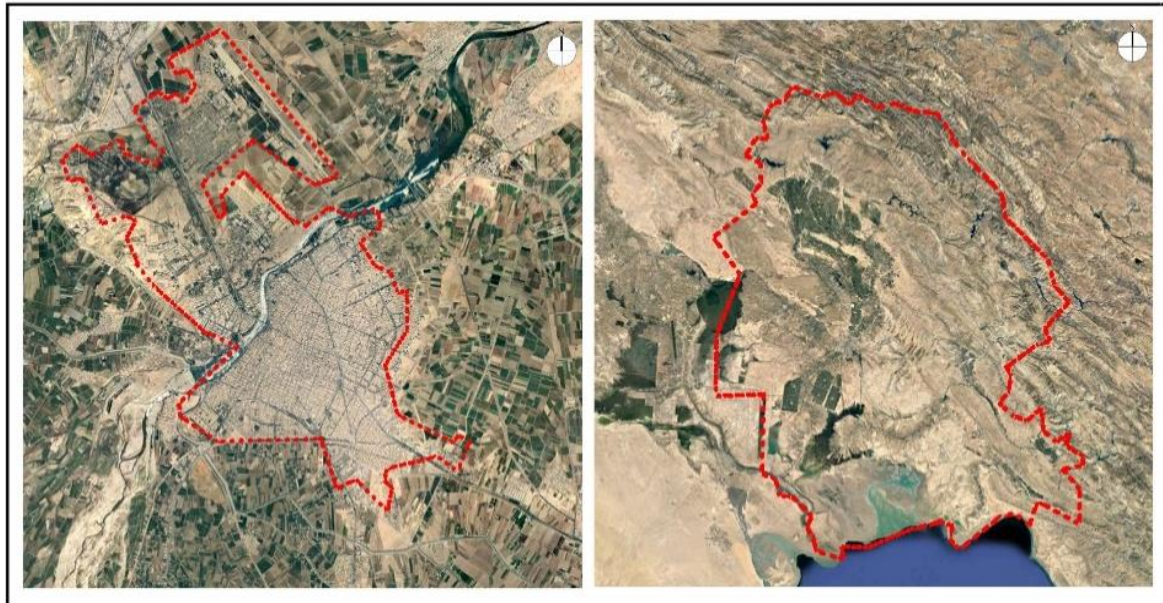
تفکیک عرصه‌ها که مرتبط با موضوع قلمرو نیز می‌باشد، ضرورتی است که صرفاً محدود به جوامع انسانی نبوده و این مهم همچنین در میان موجودات دیگر مورد مطالعه قرار گرفته و نتایج آن ارائه شده است. بررسی پیرامون تفکیک عرصه‌های زندگی بیانگر معانی نهفته در ساختار اجتماعی و فرهنگی ساکنین بوده و از این حیث مطالعات در این رابطه حایز اهمیت می‌باشد. پژوهش حاضر با هدف بررسی پیرامون عرصه‌های زندگی در خانه‌های تاریخی شهر دزفول طی دوره قاجار شکل گرفته است و در راستای پاسخ‌دهی

به این پرسش است که: تفکیک عرصه‌های زندگی در خانه‌های دوره قاجار شهر دزفول در چه سطوحی شکل گرفته و هر یک از این سطوح شامل چه ریزفضاهایی است؟. تاریخ شکل‌گیری و رواج اندیشه قطع رابطه با تاریخ معماری، مصادف با آخرین سال‌های حکومت قاجار اوایل دوران پهلوی بود (۱۹۲۰ میلادی برابر با ۱۲۹۹ هجری شمسی) (معماریان، ۱۳۹۳: ۵۲) لذا دوره قاجار به عنوان دوره‌ای که آخرین بارزده‌های ارتباط با تاریخ معماری در آن نمود دارد انتخاب شده است.

روش پژوهش

مقاله حاضر بر مبنای داده‌های کمی نرم افزار A-Graph و به روش ترکیبی صورت گرفته و داده‌ها به روش استدلال منطقی تحلیل شده است. جامعه آماری خانه‌های دوره قاجار بوده نمونه‌های مورد مطالعه به روش هدفمند و بر مبنای مصون ماندن آنها از تغییرات موثر و شامل ۱۰ خانه می‌باشد. مقاله حاضر بر مبنای روش نحو فضا و با لحاظ نمودن عدم تقارن نسبی به عنوان مولفه تاثیرگذار بر تفکیک عرصه‌ها مورد بررسی قرار گرفته است. نقشه‌های مورد استفاده بر اساس مستندات سازمان میراث فرهنگی و گردشگری شهرستان دزفول بوده و نگارنده مستندات را با تصاویر وضع موجود انطباق‌دهی نموده است. «دزفول در زمان ساسانیان همزمان با پلی که در کنار آن بر روی دز به منظور برقراری ارتباط بین پایتخت جدید یعنی جندی‌شاپور و شوشتر ساخته شده، بنا گردیده است.

دزفول در اصل اندامیش نام داشته و تا اوایل قرن ۱۳ نیز به همین نام بوده است. احتمالاً نام دزفول یا دزپل، از همان پل مشتق گردیده است» (افشار سیستانی، ۱۳۶۹: ۴۴۹). «شهر دزفول در دوران چهارم و پنجم هجری آل بویه و صفویه و قاجاریه گسترش پیدا می‌کند. گسترش شهر جدید در دوران معاصر بعد از سال ۱۳۱۰ هجری شمسی همراه با خیابان‌کشی‌های شطرنجی در کنار بافت تاریخی شهر تا امروز ادامه دارد» (نعیما، ۱۳۷۶: ۶۸). بافت تاریخی امروزین شهر دزفول شامل ۲۸ محله قدیمی و در مساحت ۱۶۰ هکتار گسترده شده است.



شکل ۱: نقشه استان خوزستان (راست) و شهر دزفول (چپ) (منبع: نگارنده).

پیشینه تحقیق

مردم آن منطقه است. با بررسی این نمونها در خانه‌های دزفول، می‌توان گفت که، تمام عناصر معماری سنتی، از لحظه ورود به بنا تا لحظه حضور در تك تك فضاهایش - همه به صورتی از پیش تعریف شده - برای ایجاد محرمیت در معماری نقش مؤثر و ویژه‌ای دارند» (مومنی و همکاران ۱۳۹۷: ۸۹-۹۰).

جمالی و خندانی (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «مطالعه تطبیقی ساختار کالبدی خانه‌های سنتی دوره قاجار (نمونه موردی: شهر تهران و تبریز)» به بررسی ساختار کالبدی خانه در دو شهر تهران و تبریز پرداخته که این مقایسه «حاکمی از آن است که معماری مسکونی قاجار در گذر از جهان سنت به تجدید تحولی عظیم و پرشتاب را تجربه کرده است. نمود اصلی آن را می‌توان در خانه‌های برون‌گرایی دوره دوم قاجار که در تضاد با مفاهیم فکری و کالبدی معماری سنتی ایران و در پی تغییر فکری، فرهنگی و اقتصادی ایجاد شده در آن زمان، مشاهده کرد. فضاهای نوینی خلق شده و تنوع فضایی افزایش یافته است، فضاها به سبکی و گشادگی بیشتری رسیده‌اند، بنابراین این مرحله به عنوان مرحله تکامل معماری قدیم ایران از منظر شفافیت، سبکی و گسترش فضاها مطرح می‌شود. لازم به ذکر است تجدیدگرایی در خانه‌های تهران نسبت به شهر تبریز بیشتر بوده و خانه‌های تبریز در عین استفاده کردن از عناصر وارداتی و تأثیرپذیری از معماری خانه‌ها از

مومنی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «محرمیت در معماری خانه‌های دزفول (مطالعه موردی: دوران قاجاریه)» به موضوع محرمیت در بستر مورد مطالعه پرداخته که نتایج آن «نشان می‌دهد در کنار شرایط اقلیمی شهر دزفول - که الگوی درون‌گرایی خانه‌ها را سبب شده است - باورهای مذهبی و معیارهای فرهنگی از جمله اصول مهم و مؤثر در شکل‌گیری محرمیت در خانه‌های سنتی مورد مطالعه بوده است. رعایت حریم دیداری و دسترسی فضایی از اصول ثابت خانه‌های مورد مطالعه است. تفکیک و تقسیم فضاها در خانه‌های سنتی دزفول، به صورت اندرونی و بیرونی و تقسیم خانه به عرصه خصوصی و عمومی، حجاب و محرمیت اعضای خانه نسبت به بیرون را حفظ می‌کند. نتایج بیانگر آن است که، معماران در خانه‌های دوره قاجار دزفول، با ایجاد سلسله مراتب حرکتی، ایجاد فضاهایی جهت عدم دسترسی مستقیم به فضاها و ساخت اتاق‌ها با رعایت قلمرو محرم بودن، سعی در ایجاد محرمیت داشتند. از جمله عوامل ایجاد کننده محرمیت، می‌توان از آستانه کوتاه در، ایوان‌ها و فضای پیش‌ورودی اتاق، پنجره‌های کنترل شده، راهروهای واسط و مابین فضاها و ایوان سرپوشیده را نام برد. استفاده از این عناصر در معماری خانه‌های دزفول، نمود بعد دینی و باورهای مذهبی

اساسی‌ترین نیازهای انسان به شمار می‌رود. یکی از تدابیری که معمار ایرانی بدین منظور به کار بسته، ارائه الگویی خاص برای تقسیم‌بندی فضایی در معماری بنا است. به‌گونه‌ای که با تفکیک فضاهای عمومی و خصوصی فضایی آرام و به دور از مزاحمت، برای اعضای خانواده فراهم شود. قلمروها می‌توانند بر حسب زمان و مکان متغیر باشند. برخی قلمروها تحت نظارت دائمی و تحت کنترل فرد یا گروه خاصی هستند. بعضی دیگر موقتی هستند و تقریباً همه به آن دسترسی دارند و در نهایت دسته‌ای در آن واحد هم در دسترس عموم و هم تحت نظارت افراد ثابت قرار می‌گیرند. ... یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در تحولات رخ داده در قلمروهای ثانویه در خانه‌های دزفول شاهد کاهش تنوع فضایی، از فضای باز، نیمه‌باز، و بسته به فضایی کاملاً بسته بوده‌ایم» (عینی‌فر و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۷).

مبانی نظری

معماری دوره قاجار

میرمیران پیرامون معماری دوره قاجار بر این باور است که: جایگاه و مرتبه معماری قاجار در تاریخ معماری گذشته ایران (قبل از دوره جدید) می‌تواند محل بحث و تامل باشد. اگر آثار معماری را از زاویه فضایی ارزیابی کنیم و به خلاقیت‌های فضایی در معماری توجه کنیم معماری دوره قاجار ارزش بالایی پیدا می‌کند و در جایگاه برتر و تکامل یافته‌تری نسبت به معماری‌های دوره‌های قبل از خود چون زندیه و صفویه قرار می‌گیرد، چرا که در معماری این دوره خلاقیت‌هایی فضایی افزایش می‌یابد. تنوع فضاها بیشتر می‌شود فضاهای نوینی خلق می‌شوند. فضاها به گشایش و سبکی بیشتری می‌رسند و الگوهای قدیمی معماری ایران در جهت گسترش فضا تکامل می‌یابند. به‌طور خلاصه، اگر تکامل معماری را گشایش، شفافیت و سبکی فضاها بدانیم، معماری این دوره به عنوان مرحله تکامل معماری قدیم ایران مطرح می‌شود. اما وقتی معماری از زوایای دیگری مانند، اندازه‌ها، تناسبات، شکل‌ها و تزئینات نگاه کنیم، معماری دوره قاجار وضعیت نازل‌تری را نسبت به دوره‌های گذشته خود و به خصوص دوره صفوی نشان می‌دهد. شکل‌ها استواری و صلابت قبلی را ندارند و شکل‌های جدیدی وارد معماری می‌شوند که سطحی و تقنی‌اند. اندازه‌ها دقت لازم

شیوه غربی، به معماری سنتی پایبندتر بوده است. معماری خانه‌ها در شکل‌گیری فضاهای اصلی و ارتباطی تفاوت عمده‌ای نکرده و اغتشاش پدید آمده در فضاها، در نمای خانه بیشتر منعکس نشده است» (جمالی و خندانی، ۱۳۹۹: ۹).

کمالی‌پور و همکاران (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «ترکیب شکلی و پیکره‌بندی فضایی در مسکن بومی: مقایسه تطبیقی عرصه‌بندی فضای مهمان در خانه‌های سنتی کرمان» پرداخته است. «یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که تفاوت در طبقه‌بندی شکلی خانه‌ها به معنای تفاوت در چگونگی عرصه‌بندی فضای مهمان در تمامی طبقه‌بندی‌ها نمی‌باشد؛ اگر چه در طبقه‌بندی دو یا چند حیاطه و نیز ترکیب شکلی چهار طرف حجم در طبقه بندی یک حیاط، در عرصه‌بندی فضای مهمان نسبت به سایر طبقه‌بندی‌ها تفاوت وجود دارد. همچنین حیاط‌های تحلیل شده در طبقه‌بندی خانه‌های یک حیاطه درون‌گرا با حجم در چهار طرف حیاط، دارای میزان بالایی از ارتباط نسبت به سایر انواع می‌باشد، به همین ترتیب اتاق‌هایی که به عنوان عرصه خصوصی در خانه عمل می‌کنند، دارای بیشترین میزان عمق و کمترین میزان هم‌پیوندی هستند» (کمالی‌پور و همکاران، ۱۳۹۱: ۳).

لطیفی و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «منطق اجتماعی فضا در مسکن بومی قاجار اصفهان» به بررسی مفهوم عمق در مسکن دوره قاجار پرداخته که «نتایج به دست آمده حیاط را — به عنوان فضای واسط درون و بیرون در پیکره‌بندی شهری — به عنوان عمومی‌ترین فضا و دارای بیشترین ارتباط فضایی و فضاهای خدماتی (انبار، سرویس‌های بهداشتی، پلکان و راهروها) را با کمترین ارتباط و به عنوان خصوصی‌ترین فضاها معرفی می‌نماید. همچنین راهروها و مفصل‌های ارتباطی، به نسبت اتاق‌ها از میزان هم‌پیوندی و ارتباط بیشتر و عمق کمتری برخوردار می‌باشند. این در حالی است که ارزش عمق در فضای باز حیاط در دوران معاصر کاهش یافته است که نشان دهنده حذف سلسله مراتب فضایی دسترسی و محرمیت فضایی در ارتباط با فضای شهری می‌باشد» (لطیفی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۶۲).

عینی‌فر و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «سیر تحول قلمروهای ثانویه در دوران خانه‌های دزفول» این نکته را مطرح می‌کند که «درک قلمروهای مکانی در فضای کالبدی، یکی از

فضاهای پیش‌ورودی به هر علت وجود نداشت، جلوی در ورودی، به فاصله‌ای از در، پرده‌ای می‌کشیدند که فضای حیاط از فضای ورودی جدا شود. همه اینها نشان می‌دهد که حیاط بخشی مهم از خانه بود و نه مفصلی برای رسیدن از خیابان به خانه. در میانه‌ی حیاط حوضی بود که از آن استفاده‌های مختلف می‌شد؛ چه برای شستن دست و صورت و وضو گرفتن و چه تابستان‌ها برای آبیاری باغچه و حیاط و شستن میوه‌ها و حتی خنک کردن میوه‌هایی چون هندوانه. ولی فقط همین نبود، حوض آب و آسمان و در واقع روشنایی را به خانه هدیه می‌داد. درخت و سرسبزی که جای خود داشت؛ حتی اگر فقط و فقط یک درخت می‌شد کاشت. پس تا این زمان، با اینکه مواجه با مظاهر تمدن غربی جدی شده بود، تأثیری اساسی بر خانه‌های عموم مردم نداشت و مدرن شدن همان سیر طبیعی و درونی خود را داشت؛ یعنی تکیه‌ی اصلی‌اش بر ریشه‌های کهنه بود و تنها در ظواهر امر تغییراتی می‌کرد و یا از غرب تأثیر می‌گرفت. هرچه به انتهای دوره‌ی قاجار نزدیک می‌شویم و به‌خصوص در دوره پهلوی اول، مدرن شدن دیگر بیش از آنکه معنی هضم کردن ره‌آوردهای تازه و غیرخودی را داشته باشد، معنی صرف‌نظر کردن از داشته‌ها و جایگزین کردن آن‌ها را پیدا کرد (بهشتی، ۱۳۹۵: ۲۳۶).

خانه یا مسکن، همان‌گونه که از نامش پیداست، برای ما توأم با معنای سکینه و آرامش است. خانه «قرارگاه» ماست و جایی است که در آن باید احساس آرامش کنیم. اگر آسایش راحتی جسم است، آرامش راحتی جان است... آنچه امروز در خانه‌های ما موج می‌زند، قلب معنای خانه است و نه حتی تنزل کیفی آن. دیگر هیچ نوع کیفیتی در خانه‌های امروزی حتی در گران‌ترین و مجلل‌ترین آنها نمی‌توان سراغ گرفت؛ تنها می‌شود از کمیات سخن گفت. کمیاتی که مابه‌ازای کیفی ندارند. برای این گرفتاری، باید به دنبال مسببی دیگر بود. کیفیت در وهله‌ی نخست، جسم و حواس را مخاطب قرار می‌دهد و هرچه متعالی‌تر شود، دل را گرفتار می‌کند؛ به هر حال، کیفیت خاطره ایجاد می‌کند و هرچه عمق آن بیشتر باشد، ماندگاری خاطره بیشتر می‌شود. برای پی بردن به زمانی که کیفیت از زندگی ما رخت بر بست، باید ببینیم از کی دیگر خانه‌های ما خاطره‌انگیزی و دل‌انگیزی‌اش را از دست داد (بهشتی، ۱۳۹۵: ۲۴۰-۲۳۸).

را ندارند. تناسبات در مرتبه پایین‌تری نسبت به تناسبات موزون و اندیشیده شده و دوره‌های قبلی قرار می‌گیرند. تزئینات معماری گاه تا حد ابتذال سقوط می‌کند و بی‌بندوباری، غلو ناشیانه و هرج و مرج، جایگزین تزئینات محدود و با وسواس دوره‌های درخشان سلجوقی و صفوی می‌شود (میرمیران، ۱۳۸۵: ۱۰۲).

مفهوم خانه در معماری

خانه‌ها منعکس‌کننده پیچیدگی جامعه ما هستند (گیفورد، ۱۳۷۸: ۸۶). گیفورد معتقد است «خانه‌ها منطبق بر فرهنگ‌ها بوده و انتظام فضایی آنها، نشان‌دهنده روابط اجتماعی افراد ساکنش می‌باشد. در بررسی فرم خانه در هفتاد و سه فرهنگ مختلف مشاهده گردید که میزان تقسیم‌بندی فضای داخلی خانه بستگی به میزان پیچیدگی اجتماعی - سیاسی در آن فرهنگ دارد» (کوچکیان و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۸۳).

کلر کوپر مارکوس در بیان کیفیت خانه به این نکته اشاره دارد که «وقتی بیشتر خودمان می‌شویم - به تعبیر مازلو، خودشکوفاتر می‌شویم - گویی پیوند خانه چون خویشتن با صورت کالبدی خود سست‌تر می‌شود» (کوپر مارکوس، ۱۳۸۲: ۱۰۰).

اگر مفهوم خانه به منزله خویشتن اعتباری داشته باشد، نیمی از راه برای توضیح اینکه چرا از نظر اکثر مردم خانه این قدر مقدس است و چرا آنان چنین قدرتمندانه در برابر تغییر در شکل اساسی شیوه‌ی زندگی خود و پدران و نیاکانش از صبح ازل مقاومت می‌کنند بیموده می‌شود. یونگ دریافت که کهن‌الگویی که خود را در نماد جلوه‌گر می‌سازد هرچه کهن‌تر و جهانی‌تر باشد، خود این نماد جهانی‌تر و پایدارتر است (کوپر مارکوس، ۱۳۸۲: ۱۱۵-۱۱۶) تا اواخر قاجار، در خانه‌های طبقه متوسط وضع بسان قبل بود؛ هنوز حیاط به معنی فضای اصلی و میانی نقش ایفا می‌کرد و همواره فضایی مستقل بود که مستقیماً از در ورودی به آن وارد نمی‌شدند؛ در واقع حیاط در میانه خانه بود، حتی اگر خانه کوچک بود، حیاط دست‌کم از دو سو محدود به عمارت‌هایی بود که معمولاً یک طرف آن فضاهای خدماتی نظیر انبار و مستراح و مطبخ و سوی دیگر آن فضاهای اصلی زندگی یعنی شاه‌نشین و اتاق‌ها بود. ورودی از سوی فضاهای خدماتی بود و در نتیجه، همه باید ابتدا وارد هشتی و دالان و سپس حیاط می‌شدند. حتی اگر چنین

معماری خانه‌های دزفول

درک انسان از فضای «اجتماعی» و «شخصی» جنبه مهمی از استفاده او از فضا است (اردلان و بختیار، ۱۳۹۴: ۴۹). خانه تنها به پدیدآوری کیفیات جوی محیط اکتفا نکرده و می‌باید خلق و خوی آن فعالیت‌هایی که در درونش جریان می‌یابند را نیز آشکار سازد (شولتز، ۱۳۹۵: ۱۴۲). خانه با مطرح شدن به عنوان پیکره‌ای معمارانه در محیط، هویت ما را محرز کرده و امنیت را بر ما ارزانی می‌دارد. و سرانجام، هنگام پای نهادن به خانه به «آسایش» دست می‌یابیم (شولتز، ۱۳۹۵: ۱۴۴). «در سال ۱۳۹۰ تمرینی برای شناسایی خانه‌های قدیمی در شهر دزفول انجام شد. چیزی که عایدمان شد دو تا سه خانه سنتی در یک قطعه شهری بود. وجود بافت‌های تاریخی یک دلخوشی کاذب در بین مدیریت‌های شهری است. آن‌ها غافل از این‌اند که عمق تخریب‌ها به حدی است که شاید چیزی به نام بافت تاریخی در شهرهای بزرگ و کوچک نداشته باشیم» (معماریان، ۱۳۹۳: ۱۱۸-۱۱۷). این مهم به نحو مناسبی بیانگر شرایط بافت تاریخی در سایه گذر زمان و مداخلات متعدد است. اساس نظام ساختمانی مسکن سنتی در دزفول، کنار هم قرارگیری تعدادی واحد فضایی سه‌بعدی است که کلیت یکپارچه‌ای را تشکیل می‌دهد. در هر یک از این واحدهای فضایی، عملکردها و قسمتهای مختلف قابل تشخیص‌اند. در عین حال، همبستگی اجزا و عناصر سبب شده که اجزای مختلف با هم کار کنند (اهری و امینی، ۱۳۷۱: ۳۴). در مسکن سنتی دزفول اتاق‌های خانه بسته به موقعیت زمین و نحوه ورود به خانه در هر جبهه‌ای می‌توانند قرار بگیرند، منتها بسته جبهه قرارگیری، تمهیدات فضا برای مقابله با شرایط اقلیمی تفاوت می‌کند (اهری و امینی، ۱۳۷۱، ص ۳۹). در انجام فعالیت‌های مربوط به خانواده، هیچ فضایی به یک فعالیت خاص اختصاص نمی‌یابد و از هر فضایی استفاده‌های متعددی در ساعات مختلف روز می‌شود. تنها فضاهای خدماتی مثل آشپزخانه، مستراح، حمام، پستو یا انبار و مانند آن فضایی مشخص دارند (اهری و امینی، ۱۳۷۱: ۴۵).

جنوتایپ و فنوتایپ

موراتوری‌ها از اواخر دهه ۱۹۴۰ به نقد معماری مدرن پرداختند.

این مدرسه معماری، بحران را در اندیشه و جامعه آن روز می‌بیند. از نگاه آنها اندیشه مدرن، فردگرایی در تولید محصولات هنری را به همراه داشته است. این در صورتی است که محصولات هنری در جوامع سنتی حاصل جمع‌گرایی بوده است. موراتوری‌ها در دهه ۱۹۵۰ نظریه «خواندن معماری» را ارائه داده و به طراحی بناهایی بر مبنای معماری گذشته اقدام کردند. خواندن معماری در بستر نگرش تاریخی - تکاملی صورت می‌گیرد. ... تداوم شکلی به معنای به‌کارگیری اجزاء و اندام‌های شکلی از معماری گذشته در معماری امروز است. تداوم شکلی دامنه وسیعی دارد که شاید بتوان دوره اوج رواج آن را از دهه ۱۹۷۰ میلادی دانست. کاربران تداوم شکلی از جنبه‌های صوری معماری گذشته بهره می‌گیرند و در معماری امروز به همان شکل و یا با تغییراتی از آن استفاده می‌کنند. ... شاید بتوان نگاه شکلی راب‌کرایی به تاریخ معماری را از شاخص‌ترین آن‌ها در ارتباط با تداوم شکلی دانست. او آثار معماری را بر اساس چند شکل پایه تقسیم می‌کند و سعی دارد از آنها برای طراحی روز بهره‌گیرد. ... او گونه‌شناسی شکلی از نمونه‌های تاریخی را ارائه داده است و در کتاب‌هایش در مقیاس شهری و معماری، جداول متعددی از دسته‌بندی بناها بر اساس شکل آنها را به نمایش گذاشته است (معماریان، ۱۳۹۳: ۵۷-۶۴).

جنوتایپ که شاید بتوان آن را الگوی زیستی نامید به قوانین انتزاعی نهفته در یک فرم فضایی گفته می‌شود. این واژه‌ای است که در زیست‌شناسی کاربرد دارد. معنای کلی آن مجموعه اطلاعاتی است که در درون یک نوع یا "گونه" موجود وجود دارد و این اطلاعات درونی است که بر فرم شیء حکومت دارد. بوسیله جنوتایپ گونه یا نوع با موجودات گروه خود در گذشته و آینده پیوند می‌یابد. تضمین زندگی و بقاء آن و تشابهش با دیگری بستگی به این اطلاعات ژنتیک دارد و تکامل و استحکام آن و استمرار زندگی را عملی می‌نماید. گونه زیستی با الگوی زیستی پنهان در معماری نیز همان اطلاعات درونی است که در فضای معماری نهفته است. در فضای معماری روابط اجتماعی که از رفتار باشندگان و با مصرف‌کنندگان آنها ناشی شده قابل بازشناخت می‌باشد. ... ظاهر یا جسم موجود "فنوتایپ" در معماری، کالید یک بناست که خود را در قالب یک گونه نشان می‌دهد. ... فهم

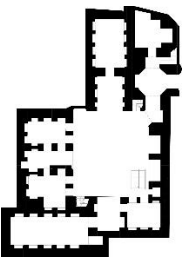
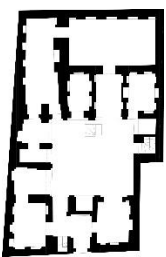
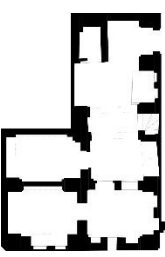
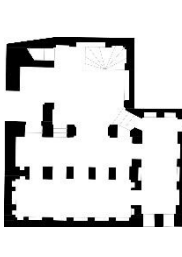
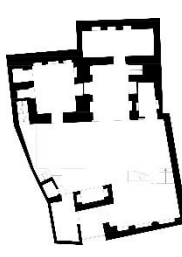

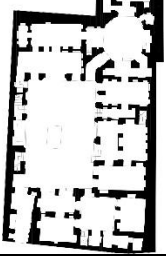

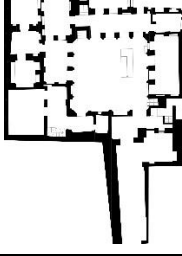
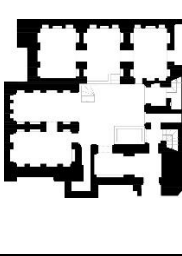
توجهی این خانه‌ها بر مبنای روش نحو فضا با رویکرد محدب و با نرم‌افزار A-Graph استخراج شده و از میان مولفه‌های هم‌پیوندی، عدم تقارن نسبی، کنترل و عمق، شاخص عدم تقارن نسبی به عنوان پارامتر اصلی در تفکیک‌پذیری عرصه‌ها مورد واکاوی قرار گرفته است. مقادیر عدم تقارن نسبی با توجه به متفاوت بودن تعداد ریزفضای خانه‌ها از حیث تعداد ریزفضاها، امکان مقایسه مطلوب با یکدیگر نداشته لذا به منظور برطرف نمودن این موضوع، از معیار عدم تقارن نسبی واقعی استفاده شده است. عدم تقارن نسبی واقعی که به اختصار RRA نامیده می‌شود به عنوان شاخص مناسب در تفکیک‌پذیری فضاها و عرصه‌های عملکردی زندگی استفاده می‌شود.

جنوتایپ خود به معنی شناخت ساختار اجتماعی، ارتباطات اجزاء با هم، الگوی فعالیت‌های نظام یافته و بار اجتماعی آنهاست. ... فنوتایپ که همان گونه کالبدی است در شکل‌های گوناگون قابل تغییر است در حالی که می‌توان در این شکل‌های گوناگون یک گونه جنوتایپ داشت. بنابراین تعداد جنوتایپ‌ها می‌تواند کمتر از فنوتایپ باشند (معماریان، ۱۳۸۷: ۴۰۵-۴۰۶).

یافته‌ها

نمونه‌های مورد مطالعه شامل خانه سید صدر، خانه عدسی، خانه کاظم لامی، خانه سوزنگر، خانه ضیایی، خانه سیاهپوشان، خانه شاهرکنی، خانه نیلساز، خانه قلمبر و خانه صنیعی است. گراف

جدول ۱: خانه‌های مورد مطالعه مربوط به دوره قاجار (منبع: نگارنده)

				
ضیایی	سوزنگر	کاظم لامی	عدسی	سید صدر
				
صنیعی	قلمبر	نیلساز	شاهرکنی	سیاهپوشان

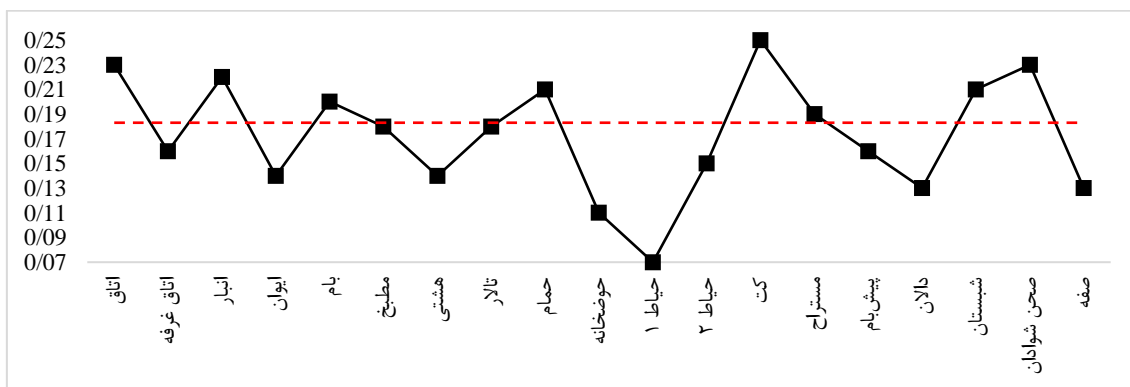
جدول ۲: گراف توجیهی خانه‌های مورد مطالعه مربوط به دوره قاجار (منبع: نگارنده).

ضیایی	سوزنگر	کاظم لامی	عدسی	سید صدر
صنّعی	قلمبر	نیلساز	شاهرکنی	سیاهپوشان

بحث و تحلیل

فضاهایی همچون «اتاق، انبار، بام، حمام، شبستان، صحن شوادان و کت» نیز نسبت به میانگین کلی فضاهای خانه سطح بیشتری از عدم تقارن نسبی را در اختیار دارند که حاکی از تفکیک‌پذیری بیشتر در این فضاها می‌باشد. «اتاق غرفه، پله‌پهن، تالار، مستراح و مطبخ» نیز در جایگاهی متماس یا نزدیک به میانگین کلی فضاها قرار گرفته‌اند که نشان از سطحی میانه نسبت به سایر فضاها دارند. کمترین سطح از عدم تقارن نسبی در اختیار «حیاط و ایوان» بوده و بیشترین مقدار متعلق به «اتاق، صحن شوادان و کت» است که به ترتیب بیانگر بیشترین ادغام و تفکیک‌پذیری در خانه‌های مورد مطالعه می‌باشد.

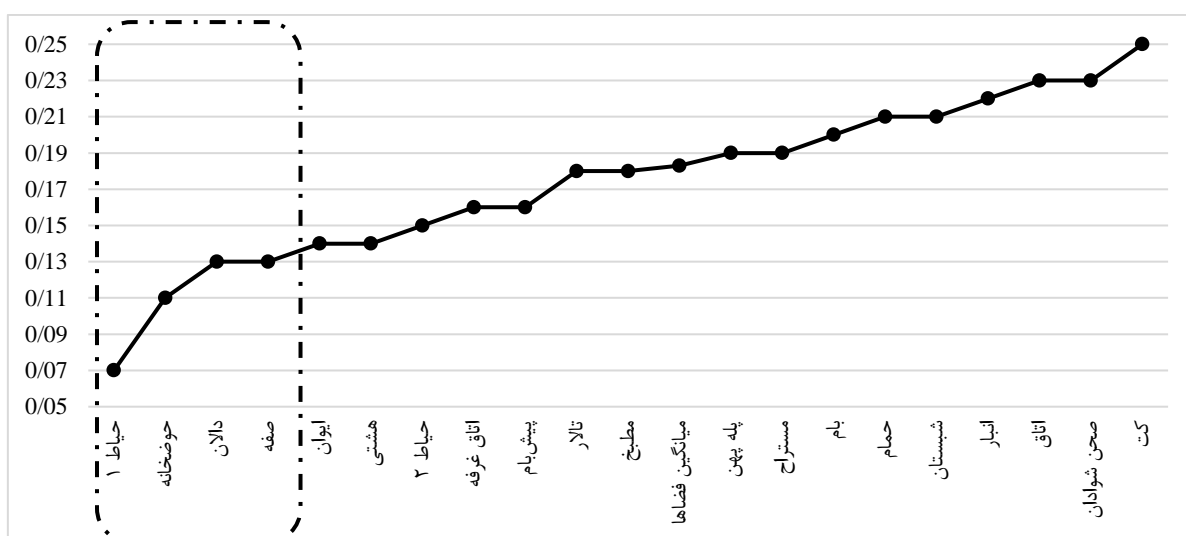
شاخص عدم تقارن نسبی یکی دیگر از شاخص‌های مورد بررسی در خانه‌های قاجار دزفول است که نشان‌دهنده میزان جداافتادگی هر فضا نسبت به سایر فضاهای خانه است. شکل ۲ و جدول ۳ ریزفضاهای اصلی در خانه‌های مورد مطالعه، همچنین موقعیت هر فضا نسبت به میانگین کلی را نشان می‌دهد. فضاهایی همچون «حیاط، حوضخانه، دالان، حیاط‌های دوم و سوم، صفه، هشتی، پیش‌بام و ایوان» عدم تقارن نسبی کمتری نسبت به سایر فضاهای خانه دارند که این موضوع بیانگر سطح کمتری از تفکیک در این فضاهاست.



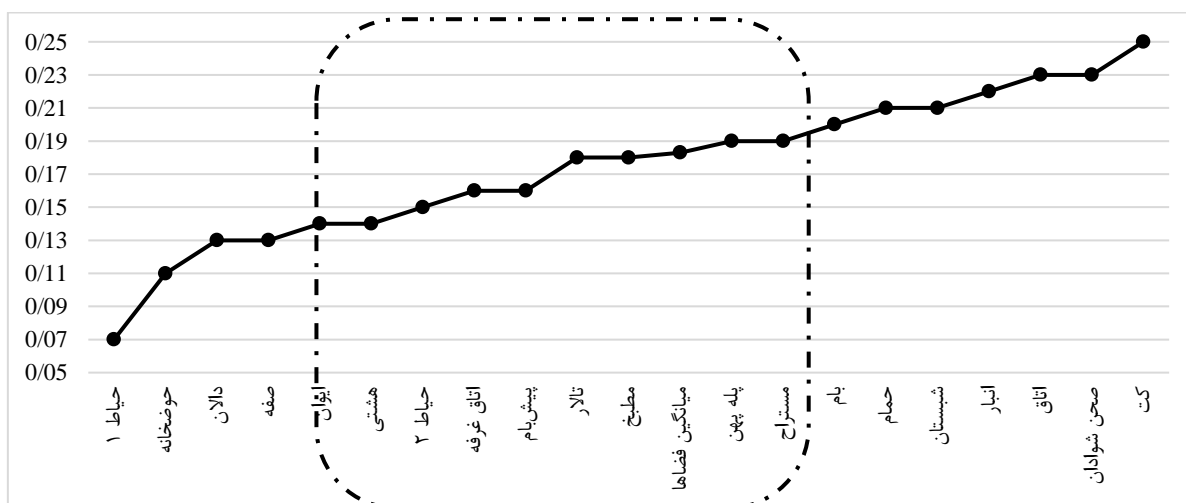
شکل ۲: عدم تقارن نسبی در ریزفضاهای مربوط به خانه‌های دوره قاجار (منبع: نگارنده).

جدول ۳. مقادیر عدم‌تقارن نسبی در ریزفضاهای مربوط به خانه‌های دوره قاجار (منبع: نگارنده)

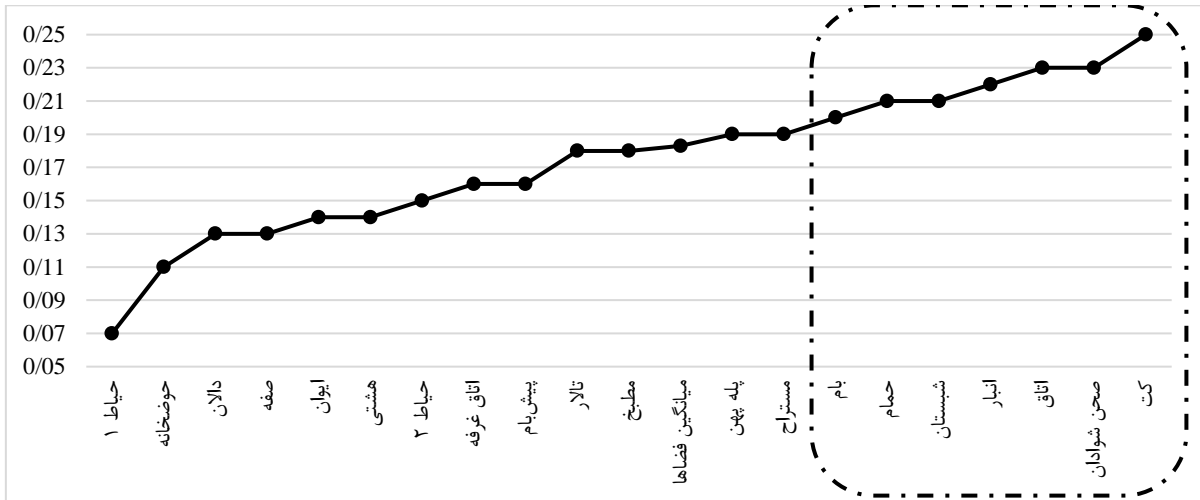
عنوان فضا	عدم تقارن نسبی	عنوان فضا	عدم تقارن نسبی	عنوان فضا	عدم تقارن نسبی
اتاق	0.23	تالار	0.18	پیش‌بام	0.16
اتاقی غرفه	0.16	حمام	0.21	دالان	0.13
انبار	0.22	حوضخانه	0.11	شبستان	0.21
ایوان	0.14	حیاط ۱	0.07	صحن شوادان	0.23
بام	0.20	حیاط ۲	0.15	صفه	0.13
مطبخ	0.18	کت	0.25	میانگین فضاها	0.183
هشتی	0.14	مستراح	0.19		



شکل ۳: سطح کمینه عدم‌تقارن نسبی در ریزفضاهای خانه‌ها (منبع: نگارنده).



شکل ۴: سطح میانه عدم‌تقارن نسبی در ریزفضاهای خانه‌ها (منبع: نگارنده).



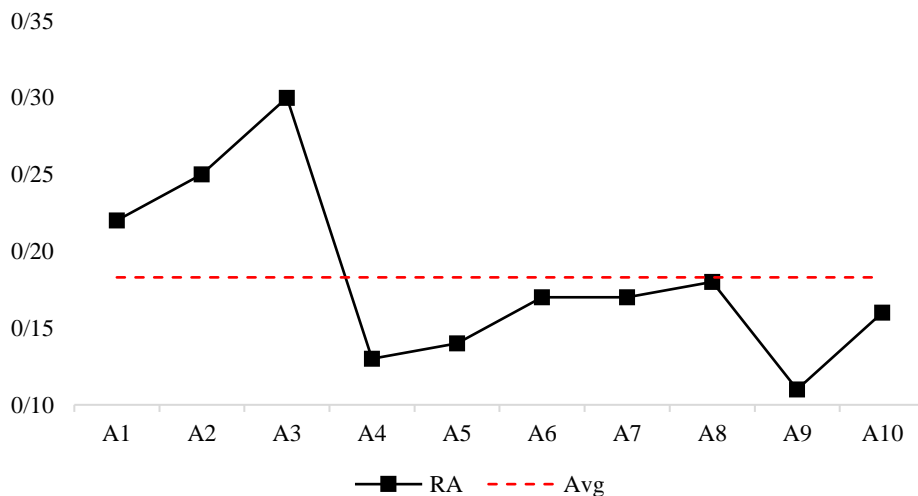
شکل ۵: سطح بیشینه عدم‌تقارن نسبی در ریزفضاهای خانه‌ها (منبع: نگارنده).

جدول ۴: سطح تفکیک‌پذیری فضاها (منبع: نگارنده).

عنوان فضاها	سطح تفکیک‌پذیری فضاها
حیاط ۱، حوضخانه، دالان، صدف	کمینه (۰/۰۷-۰/۱۳)
ایوان، هشتی، حیاط ۲، اتاق غرفه، پیش‌بام، تالار، مطبخ، پله پهن، مستراح	میانه (۰/۱۴-۰/۱۹)
بام، حمام، شبستان، انبار، اتاق، صحن شوادان، کت	بیشینه (۰/۲۰-۰/۲۵)

کاظم لامی از میزان عدم‌تقارن نسبی بیشتری نسبت به سایر خانه‌ها برخوردار هستند. خانه‌های سیاهپوشان، شاهرکنی و نیلساز نیز مماس یا نزدیک به میانگین عدم‌تقارن نسبی واقع شده‌اند.

بررسی شاخص عدم‌تقارن نسبی در خانه‌های دوره قاجار (شکل ۶، جدول ۵) بیانگر آن است که خانه‌های سوزنگر، ضیایی، قلمبر و صنیعی کمترین سطح از عدم‌تقارن نسبی را نسبت به میانگین کلی خانه‌ها در اختیار داشته و خانه‌های سید صدر، عدسی و



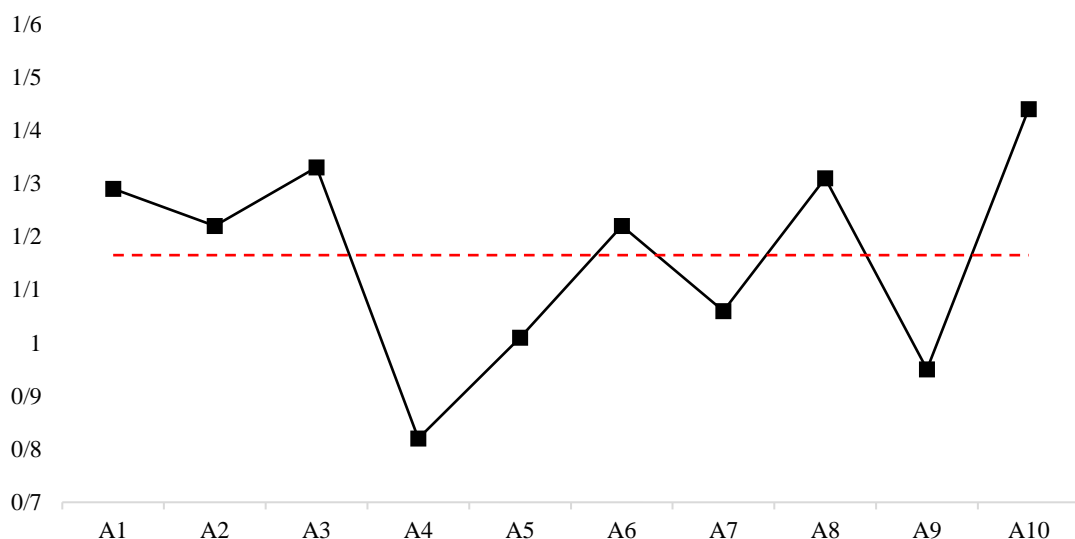
شکل ۶: عدم‌تقارن نسبی در خانه‌های دوره قاجار (منبع: نگارنده).

جدول ۵: مقادیر عدم‌تقارن نسبی در خانه‌های دوره قاجار (منبع: نگارنده).

خانه	سید صدر	عدسی	کاظم لاهی	سوزنگر	ضیایی	سیاهپوشان	شاهرکنی	نیلساز	قلمبر	صنیعی
کد خانه	A1	A2	A3	A4	A5	A6	A7	A8	A9	A10
تعداد حیاط	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۲	۲	۳	۳
عدم تقارن نسبی	0.22	0.25	0.3	0.13	0.14	0.17	0.17	0.18	0.11	0.16
میانگین	0.183									

میانگین کلی نشان می‌دهد که هر یک از نمونه‌ها عملکردی متفاوت نسبت به نمونه‌های مشابه با خود از حیث تعداد حیاط دارد. کمترین میزان از تفکیک‌پذیری نیز مربوط به خانه‌های سوزنگر، ضیایی و قلمبر می‌باشد که از این میان خانه سوزنگر کمترین سطح از تفکیک‌پذیری را به خود اختصاص داده است (شکل ۷، جدول ۶).

معیار تفکیک‌پذیری که توسط RRA مورد بررسی قرار می‌گیرد، یکی از شاخص‌هایی است که به عنوان معیار مرتبه دوم شناخته می‌شود. خانه‌های سید صدر، کاظم لاهی، نیلساز و صنیعی دارای بیشترین سطح از تفکیک‌پذیری نسبت به میانگین کلی هستند که از این میان نمونه صنیعی بیشترین میزان را به خود اختصاص داده است. عملکرد متفاوت خانه‌های یک یا چند حیاطه نسبت به



شکل ۷: عدم‌تقارن نسبی واقعی در خانه‌های دوره قاجار (منبع: نگارنده)

جدول ۶: مقادیر عدم‌تقارن نسبی واقعی در خانه‌های دوره قاجار (منبع: نگارنده).

خانه	سید صدر	عدسی	کاظم لاهی	سوزنگر	ضیایی	سیاهپوشان	شاهرکنی	نیلساز	قلمبر	صنیعی
کد خانه	A1	A2	A3	A4	A5	A6	A7	A8	A9	A10
تعداد حیاط	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۲	۲	۳	۳
عدم تقارن نسبی واقعی	1.29	1.22	1.33	0.82	1.01	1.22	1.06	1.31	0.95	1.44
میانگین	1.165									

نتیجه‌گیری

و مستراح به عنوان فضاهایی هستند که سطح میانه‌ای از تفکیک‌پذیری را در اختیار دارند. سطح میانه در این فضاها بدان معناست که عملکرد فضاها در حیطه ساکنین خانه قرار داشته اما مهمانان نیز می‌توانند در این فضاها حضور یا بهره‌برداری داشته باشند. وجود حیاط دوم یکی از این نمونه‌هاست که نشان می‌دهد اگرچه حیاط اصلی در اختیار عموم ساکنین و مهمانان قرار می‌گیرد اما حیاط دوم به منزله حریمی تلقی می‌شود که لزوماً به منظور استفاده عموم نبوده و نقش ساکنین در این فضا نسبت به حیاط اصلی بیشتر است و لذا سطح تفکیک‌پذیری با عملکرد مورد انتظار منطبق می‌باشد. اتاق غرفه و پیش‌بام نیز از جمله این فضاهاست و باتوجه به قرارگرفتن هردو فضا در طبقه فوقانی، می‌توان پس از عبور از پیش‌بام به فضای اتاق غرفه دسترسی پیدا کرد و از آنجا که اتاق غرفه به جهت سکونت فرزند خانواده پس از ازدواج بوده، سطح میانه‌ای از تفکیک‌پذیری را در اختیار دارد و تعاملات آنها را نیز در بر می‌گیرد. فضاهای بام، حمام، شبستان، انبار، اتاق، صحن شوادان و کت به عنوان فضاهایی قلمداد می‌شود که بیشترین سطح از تفکیک را داشته و به فضاهایی خصوصی با قلمرویی محدود شناخته می‌شوند.

پژوهش با هدف بررسی عرصه‌های زندگی در خانه‌های تاریخی شهر دزفول طی دوره قاجار و در راستای پاسخ‌دهی به این پرسش که: تفکیک عرصه‌های زندگی در خانه‌های دوره قاجار شهر دزفول در چه سطوحی شکل گرفته و هریک از این سطوح شامل چه ریزفضاهایی است؟ بیانگر نتایجی است که ادامه به آن پرداخته خواهد شد.

نتایج پژوهش نشان می‌دهد در خانه‌های دوره قاجار که مورد مطالعه قرار گرفته‌اند، فضاها از حیث عملکرد و با لحاظ نمودن ساختار اجتماعی و فرهنگی، در سه سطح تفکیک می‌شود. که تفکیک‌پذیری کمینه، میانه و بیشینه را در بر می‌گیرد. کمترین سطح از تفکیک شامل فضاهای حیاط اصلی، حوضخانه، دالان و صفه است که بیانگر این نکته می‌باشد که در این فضاها سطح تعاملات اجتماعی میزان بالایی از عمومیت را به خود اختصاص می‌دهد. به بیان دیگر در خانه‌های مورد مطالعه، حیاط اصلی، حوضخانه، دالان و صفه ادغام بیشتری با دیگر فضاها داشته و تفکیک‌پذیری کمتری را در اختیار دارند (جدول ۷). فضاهای ایوان، هشتی، حیاط ۲، اتاق غرفه، پیش‌بام، تالار، مطبخ، پله‌پهن

جدول ۷: نتایج تفکیک‌پذیری فضاها (منبع: نگارنده).

عنوان فضا	سطح تفکیک‌پذیری فضاها		
	کمینه	میانه	بیشینه
حیاط ۱	✓		
حوضخانه	✓		
دالان	✓		
صفه	✓		
ایوان		✓	
هشتی		✓	
حیاط ۲		✓	
اتاق غرفه		✓	
پیش‌بام		✓	
تالار		✓	
مطبخ		✓	
پله پهن		✓	
مستراح		✓	
بام	✓		
حمام	✓		

شبهستان	✓	سطح بالای تفکیک بیانگر اختصاص فضا به حریم خصوصی ساکنین است
انبار	✓	سطح بالای تفکیک بیانگر اختصاص فضا به حریم خصوصی ساکنین است
اتاق	✓	سطح بالای تفکیک بیانگر اختصاص فضا به حریم خصوصی ساکنین است
صحن شوادان	✓	سطح بالای تفکیک بیانگر اختصاص فضا به حریم خصوصی ساکنین است
کت	✓	سطح بالای تفکیک بیانگر اختصاص فضا به حریم خصوصی ساکنین است

منابع

- اردلان، نادر و لاله بختیار (۱۳۹۴). حسن وحدت، مترجم و نداد جلیلی. تهران: انتشارات علم معمار رویال.
- افشار سیستانی، ایرج (۱۳۶۹). نگاهی به خوزستان. تهران: نشر بلور.
- الکساندر، کریستوفر (۱۳۹۳). سرشت نظم، جلد دوم. تهران: انتشارات پرهام نقش.
- اهری، زهرا، امینی جدید، شهلا (۱۳۷۱). الگوی ساخت مسکن در شهرهای خوزستان، دفتر اول: دزفول، اهواز، خرمشهر. تهران: مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن.
- بهشتی، محمد (۱۳۹۵). خانه (از آغاز پهلوی اول تا دهه چهل شمس). دو فصلنامه معماری ایرانی، (۱۰)، ۲۲۹-۲۴۲.
- راباپورت، اموس (۱۳۹۲). انسان‌شناسی مسکن، مترجم خسرو افضلیان. مشهد: انتشارات کتابکده کسری.
- عینی‌فر، علیرضا، آقالطیفی، آزاده، حیاتی، زینب (۱۳۹۹). سیر تحول قلمروهای ثانویه در دوره خانه‌های دزفول. صغه، ۳۰ (۹۱)، ۲۷-۴۸.
- کمالی پور حسام، معماریان غلامحسین، فیضی محسن، موسویان محمد فرید (۱۳۹۱). ترکیب شکلی و پیکره‌بندی فضایی در مسکن بومی: مقایسه تطبیقی عرصه‌بندی فضای مهمان در خانه‌های سنتی کرمان. مسکن و محیط روستا ۳۱ (۱۳۸)، ۳-۱۶.
- کوپر مارکوس، کلر (۱۳۸۲). خانه: نماد خویشتن، مترجم احد علیقلیان، مجله خیال، ۱۳۸۲ (۵)، ۸۴-۱۱۹.
- کوچکیان، مسعود و آیوازبان، سیمون و دیبا، داراب و نوروزبرازجانی، دیبا (۱۳۹۶). بازتعریف مفهوم مسکن و سکونت بر اساس مؤلفه‌های اقتصادی و اجتماعی. فصلنامه مدیریت شهری، ۱۶ (۴۶)، ۲۶۳-۲۸۶.
- گیفورد، رابرت. روانشناسی محیط‌های مسکونی. مترجم وحید قبادیان، فصلنامه معماری و فرهنگ، سال اول، شماره دوم و سوم، پاییز و زمستان ۱۳۷۸، صفحات ۷۱-۹۸.
- لطیفی، محمد، مهدوی نژاد، محمد جواد، دیبا، داراب (۱۳۹۹). منطق اجتماعی فضا در مسکن بومی قاجار اصفهان. مطالعات جامعه‌شناختی شهری، ۱۰ (۳۷)، ۱۶۱-۱۸۶.
- معماریان، غلامحسین (۱۳۸۷). سیری در مبانی نظری معماری. تهران: انتشارات سروش دانش.
- معماریان، غلامحسین (۱۳۹۳). مبنای طراحی معماری. تهران: نغمه نواندیش.
- مومنی، کورش، عطاریان، کورش، دیده‌بان، محمد، وصال، مریم (۱۳۹۷). محرمیت در معماری خانه‌های دزفول (مطالعه موردی: دوران قاجاریه). جلوه هنر، ۱۳۹۷ (۲۰)، ۷۹-۹۲.
- میرمیران، سیدهادی (۱۳۸۵). مدرسه شهیدمطهری (سپهسالار) نگاهی به معماری دوره قاجار. معماری و ساختمان، (۱۰)، ۱۰۲-۱۰۳.
- نعیما، غلامرضا (۱۳۷۶). دزفول شهر آجر. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- نوربری شولتز، کریستیان (۱۳۹۵). مفهوم سکونت به سوی معماری تمثیلی، مترجم محمود امیر یاراحمدی. تهران: انتشارات آگه.